



The Function of Arabic Formulaic Structures in *Mersad al-Ebad*

Habib Keshavarz^{*1}, Saeedeh Birjandi²

Received: 21/02/2021
Accepted: 23/06/2021

Introduction

Research Background

According to the background of the research, so far no research has examined the Arabic-style mold constructions and their function in *Mersad al-Ebad*.

Shiri (2010) in an article entitled "Allegory and a new image of functions and its types", recognized parable as a subset of allegory, and expressed the functions for allegory such as explanation and enlightenment. Heidari (2014) in his article "Linking verses and arrays" examines Razi's innovation in using the Qur'an and hadiths in his book, and concludes that the author has used chapters to name chapters, citations and testimonies, and different interpretations for verses and hadiths. Qasempour and Ghorbanpour (2016) in the article "Hadith Approach of Najmuddin Razi in *Mersad Al-Ebad*" have examined the hadiths in this book from the semantic point of view and have come to the conclusion that the author of this book has used the hadiths as a source of knowledge.

* Corresponding Author's E-mail:
hkeshavarz@semnan.ac.ir

1. Assistant Professor of Arabic Language and Literature, Semnan University, Semnan, Iran.

<https://orcid.org/0000-0003-3113-8259>

2. PhD in Persian Language and Literature, Kashan University, Kashan, Iran.

<https://orcid.org/0000-0002-0051-5990>



Goals, questions, and assumptions

The study of Arabic proverbs in *Mersad al-Ebad* and their functions is important because it shows the author's mastery in Arabic texts and literature on the one hand, and reveals the influence of Iranian literature on Arabic language and literature on the other hand. Also, the use of Arabic proverbs in *Mersad al-Ebad*, which has been done for different purposes, shows the specific style and mental attitude of the author. The study of these cases is not only of literary importance but also of social, historical, and cultural significance; therefore, the purpose of this article is to investigate the use of these Arabic molded structures in *Mersad al-Ebad*.

The current article seeks to answer these questions: What Arabic proverbs did Razi use in *Mersad al-Ebad* and what was his purpose in doing so? What are the function of such constructions in this book? To answer these questions, the Arabic-style mold structures used in *Mersad al-Ebad* were examined and analyzed. The main hypothesis of this study is that reasoning, strengthening the meaning, brevity, and beautification of the word, and expressing the literary and verbal abilities are the main functions of the Arabic proverb in *Mersad al-Ebad*.

Conclusion

Writers have always used various linguistic tools in order to enrich their words as much as possible, one of these tools is the use of proverbs in their works. According to Zolfaghari, these constructions, besides their various functions, also add to the "grace and sweetness of the speech" of the author (2007, p. 32), and show the linguistic and verbal ability as well as the skill of the authors. One of these works is Najmuddin Razi's *Mersad al-Ebad*. The proverbs in this book have functions and tasks, and the author has used the Arabic proverb wherever needed, depending on the situation. This study focuses on



the function of Arabic-style mold structures in *Mersad al-Ebad*. In this work, the function of the mentioned structures is examined in seven categories.

Persuasion is an attempt to impose a certain subject on the audience. To achieve this goal, it is necessary to use rhetorical elements in order to effectively influence the audience (Muezzin & Ahmadi, 2014, p. 95). In some verbal situations, Razi has used proverbial structure as an effective tool to persuade the audience. For example, in the first pages of his book, when explaining the state of the man and the upbringing and training of his soul, he likens the man to a gold and silver mine from which gold or silver is extracted.

The argument is different from persuasion; In persuasion, the goal is to persuade the audience, but in argument, the goal is not to persuade the audience, but to prove the word with reasoning. In a part of his speech, explaining why this book was written in Persian, Razi says that most of the book deals with meanings and facts.

One of the uses of proverbial constructions in *Mersad al-Ebad* is to justify and help the author to get rid of the blame and rebuke of others, or to escape from his inner voices. For example, in part of this work, Razi uses two paradigmatic structures to describe his one-year stay in Baghdad, leaving his family behind to be invaded by the Mongols, in order to justify either his soul or his conscience.

The Arabic proverbial construction in this book has seven functions in general: persuasion, reasoning and argumentation, justification of one's actions and avoiding blame and reprimand, beautification of words and the expression of one's verbal skills, brevity, emphasis on the meaning and strengthening it, explanation and clarification of the content. In the meantime, Razi has mostly used proverbs in order to emphasize his concepts and contents (8 cases), and reasoning and argument (7 cases). He also had the least use of Arabic proverbs to persuade the audience and beautify his words (2 cases each) and



Culture and Folk Literature

E-ISSN: 2423-7000

Vol. 9, No. 40

September – October & November 2021

Research Article



enlighten his words (1 case). The Arabic proverbial form has been used 3 times in the book with the aim of brevity.

References

- Haidari, H. (2015). Connecting verses and rhetorical devices in Mersad-al-Ebad. *Literary-Quranic Studies*, 4, 113-133
- Muezzin, A. S., & Ahmadi, M. (2014). An introduction to the position of the persuasion process in rhetoric and literary studies. *Literary and Rhetorical Research*, 9, 93-112.
- Qasempoor, M., & Qorbanpoor, H. (2016). Najmuddin Razi's hadith approach in Mersad Al-Ebad. *Journal of Hadith Studies*, 16, 147-166
- Shiri, A. H. (2010). A new allegory and image of its functions and types. *Kavoshnameh*, 20, 31- 62.
- Zolfaghari, H. (2007). A study of the structure of reproduction. *Literary Research*, 15, 31-62.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه
سال ۹، شماره ۴۰، مهر و آبان ۱۴۰۰
مقاله پژوهشی

کارکرد ساخت‌های قالبی مثلی عربی در مرصادالعباد

حبیب کشاورز*^۱، سعیده بیرجندی^۲

(دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۳ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۰۲)

چکیده

ساخت‌های قالبی شده قسمت کلیشه‌ای زبان هستند که از سویی ساختاری شناخته شده در میان اهل زبان دارند و از سوی دیگر به عمق معنای مورد نظر می‌افزایند. بنابراین، ایجاز و تفهیم معنا یکی از ویژگی‌های بارز این ساخت‌هاست. ساخت‌های قالبی انواع مختلفی دارند که مثل یکی از آنهاست. مرصادالعباد نجم‌الدین نیز به منزله یکی از منابع عرفانی در زبان فارسی از این ساخت‌های قالبی بهره برده است. ساخت‌های قالبی مثلی کارکردهای متفاوتی در آثار ادبی برعهده دارند که ایجاز، استدلال، تبیین مطلب، تصویرسازی و تأکید معنا از جمله آنهاست. هدف از مقاله حاضر که با روش کیفی (تحلیلی - توصیفی) انجام شده، بررسی کارکرد ساخت‌های قالبی شده مثلی عربی در مرصادالعباد است. نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان داد که اقناع مخاطب،

۱. استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه سمنان، سمنان، ایران (نویسنده مسئول).

*hkeshavarz@semnan.ac.ir
<https://orcid.org/0000-0003-3113-8259>

۲. دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.
<https://orcid.org/0000-0002-0051-5990>

استدلال، توجیه‌آوری و رهایی از سرزنش و توبیخ، زیباسازی کلام، ایجاز، تقویت معنا و روشنگری، کارکردهای ساخت‌های مثلی عربی در کتاب مذکور به‌شمار می‌روند. در این میان، تأکید مفهوم و استدلال بیشترین کارکرد را در این اثر داشته است.

واژه‌های کلیدی: ساخت مثلی، مرصاد/العباد، ساخت‌های قالبی شده، مثل عربی.

۱. مقدمه

ساخت‌های قالبی بخشی از زبان هستند که از نظر دو بُعد مفهومی و ساختاری موجب گسترش زبان می‌شوند و درعین حال، معانی عمیقی را به مخاطب انتقال می‌دهند و بر همین اساس، ارتباط با مخاطب و رساندن پیام به او را تسهیل می‌کنند. این ساخت‌ها از انواع مختلفی تشکیل شده‌اند که ضرب‌المثل یکی از آنهاست. به گفته ناصری (۱۳۹۰، ص. ۹) ضرب‌المثل به‌منزله یکی از گونه‌های ساخت‌های قالبی، معانی عمیقی را در خود جای داده و دربردارنده فرهنگ، آداب و رسوم و باورهای هر قوم است. در بسیاری از آثار و کتاب‌های فارسی (چه منظوم و چه منثور)، مجموعه گسترده‌ای از ضرب‌المثل‌های عربی دیده می‌شود که نویسنده آن‌ها را بنابر اغراض معینی در اثر خود گنجانده است و از آن‌ها بهره خاصی برده است که کم‌ترین استفاده همه آن‌ها از این ساخت‌ها، ابراز علم و دانش خود نسبت به زبان و ادبیات عربی بوده است و تقریباً می‌توان گفت که این مسئله در همه این آثار، وجه مشترک است. از جمله کتاب‌های فارسی که مملو از جملات و اصطلاحات عربی، اعم از حکمت، مثل، شعر، آیات و احادیث است، کتاب *مرصادالعباد من المبدأ الی المعاد* نجم‌الدین رازی (۵۷۳-۶۷۴ق) است که در این مقاله به‌صورت مخفف *مرصادالعباد* خوانده می‌شود. رازی در این اثر عرفانی تعداد زیادی از ضرب‌المثل‌های عربی را در موقعیت‌های کلامی خاصی به‌کار گرفته است؛ به این معنا که هر کدام از مثل‌های عربی در هر بخش از اثر مذکور، وظیفه

و کارکردی را برعهده دارند و نویسنده از به‌کارگیری آن‌ها، هدف و غرض خاصی داشته که هدف او و کارکرد مثل‌های عربی استفاده‌شده در این اثر، نیازمند بررسی و کاوش است تا هم سبک نگارش و جهان‌بینی و طرز تفکر نویسنده و هم لایه دیگر اثر و ابعاد مختلف آن، بازشناسایی شود. البته باید توجه داشت که در *مرصادالعباد*، آیات و احادیث، شعر، حکمت و مثل و عبارات و جملات عربی بسیاری آمده است. مثلاً در صفحه نخست کتاب در تسبیح و ستایش خداوند و آفرینش عظیم او (انسان) می‌گوید: «آن خداوندی که ... آب حیات معرفت را در ظلمات صفات خلقت بشریت تعبیه کرد و فی أنفسکم أفلا تُبصرون ...». نویسنده در این جمله، از بخشی از آیه قرآن استفاده کرده است که این آیه حکمت، مثل و استشهاد نیست. بنابراین، گنجاندن عبارات عربی در لابه‌لای *مرصادالعباد*، ویژگی سبکی نویسنده بوده است و از میان عبارات عربی کتاب او تعداد محدودی مثل هستند. استفاده از قالب‌های مثلی عربی در دیگر متون عرفانی فارسی مانند *لمعات فخرالدین عراقی* (عارف سده هفتم) رایج بوده است (عراقی، ۱۳۶۳، ص. ۵). چراکه زبان‌ها همچون بازاری هستند که واژه‌ها و عبارات در آن دادوستد می‌شوند (بلاوی، ۱۳۹۶، ص. ۷۴).

مقاله حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤالات است: رازی در *مرصادالعباد* از چه ساخت‌های مثلی عربی استفاده کرده و هدف وی از این کار چه بوده است. سؤال دیگر آنکه، این‌گونه ساخت‌ها در کتاب مذکور چه کارکردی دارند. برای پاسخ‌گویی به این سؤالات، ساخت‌های قالبی مثلی عربی که در *مرصادالعباد* به کار رفته است، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفتند. فرض اصلی پژوهش حاضر آن است که استدلال، تقویت معنا، ایجاز و زیباسازی کلام و ابراز توانایی‌های ادبی و کلامی از کارکردهای اصلی ساخت مثلی عربی در *مرصادالعباد* است.

۲. پیشینه تحقیق

کتاب *مرصادالعباد* یکی از منابع مهم عرفانی فارسی به‌شمار می‌رود و به همین دلیل مورد توجه محققان و پژوهشگران بوده است. در این بخش، پژوهش‌هایی که نزدیک به موضوع مقاله حاضر هستند، بررسی و معرفی می‌شود:

شیری (۱۳۸۹) در مقاله «تمثیل و تصویری نو از کارکردها و انواع آن» علاوه بر اینکه مثل را زیرمجموعه تمثیل دانسته، کارکردهایی را برای تمثیل از جمله تبیین و روشنگری بیان کرده است. حیدری (۱۳۹۳) در مقاله «پیوند آیه‌ها و آرایه‌ها» به بررسی نوآوری رازی در به‌کارگیری قرآن و احادیث در کتابش پرداخته و چنین نتیجه گرفته که نویسنده برای نام‌گذاری ابواب، استناد، استشهاد، تأویل و تفسیر از آیات و احادیث استفاده کرده است. قاسم‌پور و قربان‌پور (۱۳۹۵) در مقاله «رویکرد حدیثی نجم‌الدین رازی در *مرصادالعباد*» به بررسی احادیث موجود در این کتاب از دیدگاه نقل‌به‌معنا پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که نویسنده این کتاب از احادیث به‌منزله منبعی معرفتی بهره برده است. اسماعیل‌پور (۱۳۹۵) در مقاله «قرآن و حدیث، الهام‌بخش آرای عرفانی نجم‌الدین رازی در *مرصادالعباد*» به بررسی تأثیر قرآن و حدیث بر این کتاب پرداخته و نتیجه گرفته که از نظر رازی، جنبه باطنی قرآن مربوط به عارفان و اولیاءالله است. میرصادقی (۱۳۹۶) در مقاله «نقش تمثیل در تبیین نظریات عرفانی نجم‌الدین رازی در *مرصادالعباد*» به این نتیجه رسیده که نویسنده از تمثیل برای تبیین برخی از آرای عرفانی خود مانند: تبیین ماهیت روح، توصیف آخرت و اهمیت رسالت استفاده کرده است. منظور میرصادقی در این مقاله از تمثیل، آوردن داستان به وجه تمثیلی و نه ساخت‌های مثلی است.

کارکرد ساخت‌های قالبی مثلی عربی در *مرصادالعباد* حبيب کشاورز و همکار

باتوجه به پیشینه تحقیق تاکنون پژوهشی به بررسی ساخت‌های قالبی مثلی عربی و کارکرد آن‌ها در کتاب *مرصادالعباد* نپرداخته است.

۳. ضرورت انجام پژوهش

بررسی استفاده از ساخت‌های قالبی مثلی عربی در *مرصادالعباد* و کارکرد آن‌ها از آن جهت اهمیت دارد که از یک سو نشان‌دهنده تسلط نویسنده بر متون و ادب عربی است و از سوی دیگر، تأثیرپذیری ادبای ایرانی از زبان و ادبیات عربی را نشان می‌دهد. همچنین، استفاده از مثل‌های عربی در جای‌جای *مرصادالعباد* که با اهداف مختلف صورت گرفته، نشان‌دهنده سبک خاص و نگرش ذهنی نویسنده است. بررسی این موارد غیر از اهمیت ادبی از لحاظ اجتماعی، تاریخی و فرهنگی نیز دارای اهمیت است. بنابراین بررسی چرایی استفاده از این ساخت‌های قالبی عربی در *مرصادالعباد* از اهداف مقاله حاضر به‌شمار می‌رود.

۴. روش پژوهش

در این پژوهش، ابتدا به گردآوری ساخت‌های قالبی مثلی عربی پرداخته شد. سپس این ساخت‌ها با کتاب‌های امثال عربی و فارسی، مانند *امثال و حکم دهخدا* و *مجمع‌الامثال* میدانی تطبیق داده شد و از آنجایی که حکمت و ضرب‌المثل باهم تفاوت دارند، فقط مثل‌ها بررسی شدند. همچنین شماری از احادیث نبوی که به دلیل رواج گسترده‌شان در میان مردم به صورت مثل درآمد و در کتب امثال در زمره مثل، درج شده است نیز در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفتند و کارکرد هر کدام از آن‌ها در کتاب *مرصادالعباد* بررسی شد.

۵. مفاهیم نظری

در این بخش از مقاله، پیش از ورود به بحث اصلی، ابتدا ساخت‌های قالبی و بعد، ساخت‌های مثلی معرفی می‌شوند.

۱-۵. ساخت‌های قالبی^۱

ساخت / گفتارهای قالبی یا کلیشه‌های زبانی بخشی از هر زبان هستند که بسیار پرتکرار و پرکاربردند (Bannard & Liven, 2009, p. 315). این ساخت‌ها به‌شکلی قالبی شده، یعنی به‌صورت ثابتی از کلمات در ذهن خواننده و شنونده ذخیره شده‌اند و وجود دارند (آقاگل‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹، ص. ۱۲۲). متنوع بودن، کارایی بالا در برقرای ارتباط اجتماعی، ایجاز و اختصار و دربرداشتن معنای ضمنی عاطفی از ویژگی‌های ساخت‌های قالبی زبان است (ذوالفقاری، ۱۳۸۹، ص. ۷۳). برای این ساخت‌ها، تقسیم‌بندی‌هایی ذکر شده است. آقاگل‌زاده و همکارانش عبارات مقدماتی، ضرب‌المثل و اصطلاح را از انواع ساخت‌های قالبی دانسته‌اند (۱۳۸۹، ص. ۱۲۴). ذوالفقاری نیز ضرب‌المثل‌ها، کنایه‌ها، مثل‌گونه‌ها و اصطلاحات و زبان‌زدها را انواع مختلف این ساخت‌ها معرفی کرده است (۱۳۹۴). در بخش بعدی به بررسی مثل به‌منزله یکی از انواع ساخت‌های قالبی شده پرداخته می‌شود:

۱-۱-۵. ضرب‌المثل^۲

در لغت‌نامه دهخدا ذیل واژه مثل این تعاریف ذکر شده است: مطلق سخن و حدیث، برهان و دلیل، مانند و شبیه، پند و عبرت، سرمشق، سخن، داستان و قصه و داستان عبرت‌انگیز، داستان‌های تمثیلی، نشانه و علامت، ضرب‌المثل، سرگذشت و صفت (۱۳۴۵). ابن‌منظور (بی‌تا) نیز ذیل واژه مثل، این کلمه را «همانندی» معنی کرده و آن را

مترادف مثیل، مثل و مثل دانسته است. زمخشری (بی‌تا، ج. ۱/ ص. ۷۲) نیز این واژه را هم‌معنای «مثل و مانند» دانسته است. برای معنی اصطلاحی مثل نیز تعاریف متعددی ذکر شده است. امام فخر رازی (بی‌تا، ج. ۲/ ص. ۷۳) مثل را سخنی دانسته است که در میان مردم رواج دارد و در مکالمات روزمره از آن استفاده می‌شود. محمد معین (۱۳۶۰، ص. ۹۲۶) نیز آن را داستانی افسانه‌ای یا واقعی معرفی کرده که در میان مردم شهرت و رواج یافته است و مردم غالباً برای تبیین مطلب خود از مثل استفاده می‌کنند. جلال‌الدین همایی (۱۳۳۹، ص. ۱۹۵) نیز مثل را کلامی معرفی کرده که موردپسند مردم و مبتنی بر داستان یا قصه باشد. وی معتقد است که ضرب‌المثل می‌تواند مصداق داشته باشد یا نداشته باشد. طه حسین (۱۹۲۷، ص. ۳۳۱) مثل را یکی از انواع ادبیات ملی معرفی کرده و معتقد است که مثل دربرگیرنده الفاظ و معانی ویژه‌ای هستند. پورنامداریان (۱۳۷۵، ص. ۱۱۴) مثل را متعلق به تاریخ قومی معرفی کرده است، همانطور که ترانه‌های عامیانه و قصه‌های شعرگونه چنین ویژگی‌ای دارند. ذوالفقاری (۱۳۸۷، ص. ۱۱۶) مثل‌ها را «حکمت‌های تجربی مردم» نامیده است. از مجموع تعاریف ذکر شده می‌توان مثل را این‌گونه معرفی کرد: مثل سخنی کوتاه و قالبی شده و دارای رواج است که برپایه تشبیه بنا شده و نشان‌دهنده فرهنگ و آداب و سنن هر قوم و ملت است و ممکن است در داستانی واقعی یا افسانه‌ای ریشه داشته باشد.

از آنجایی که مثل یکی از انواع مهم ساخت‌های قالبی است، در پژوهش حاضر از اصطلاح «ساخت قالبی مثلی» استفاده شده است. ویژگی‌هایی برای این نوع ساخت‌های قالبی ذکر شده است که مهم‌ترین آن‌ها بدین شرح‌اند: مثل دارای جنبه پند و اندرز است، در میان مردم رواج دارد، ایجاز و اختصار دارد، کاربرد گسترده و وسیعی دارد، مثل‌ها قدرت تأثیرگذاری بالایی دارند، مبتنی بر تجربه هستند، اندیشه و جهان‌بینی هر

قوم را منعکس می‌کنند، ساده هستند و الفاظ روانی دارند (نگهداری، ۱۳۹۲، ص. ۱۲). زیرساخت مثل تشبیه است و گاهی نیز جنبه استعاری دارند؛ بنابراین، بیشتر آن‌ها استعاره تمثیلی هستند، اما هر استعاره تمثیلی را نمی‌توان مثل دانست. شرط اصلی مثل رواج و گسترش آن است و مثل‌ها معمولاً دارای موسیقی درونی یا بیرونی هستند (ذوالفقاری، ۱۳۸۷، صص. ۱۱۹-۱۲۰). همچنین ساخت قالبی مثلی کارکردهایی نیز دارد. خاصیت اقناع‌کنندگی، عینیت‌بخشی، مثال‌آوری و روشن‌گری (شیری، ۱۳۸۹، ص. ۳۹)، زیباسازی و ادبی کردن کلام (ذوالفقاری، ۱۳۸۶، ص. ۳۲)، تبیین، فرار از سرزنش، توییح یا حاکمیت، توجیه‌آوری و دلیل‌آوری یا همان استدلال، برخی از این کارکردها است. نکته دیگر آنکه ضرب‌المثل و حکمت با یکدیگر تفاوت دارند. ابن‌قیم جوزی (۶۹۱-۷۵۱ق) رواج مثل را بیشتر از حکمت دانسته و معتقد است که حکمت مبتنی بر تجربه است و رواجش کم‌تر از مثل است و در اغلب موارد نیز گوینده حکمت‌ها مشخص هستند (جوزی، ۱۹۸۱، ص. ۱۸). قطامش (۱۴۰۸ق، ص. ۱۸) نیز گفته است که مثل همیشه مختصر است، اما حکمت گاهی طولانی می‌شود.

۶. بحث

نویسندگان و ادیبان همواره از ابزارهای زبانی مختلفی به منظور غنا بخشیدن هرچه بیشتر به کلامشان استفاده کرده‌اند. یکی از این ابزارها، استفاده از ساخت‌های قالبی مثلی در میان آثارشان است. این ساخت‌ها علاوه بر کارکردهای مختلفی که دارند، بنا به قول ذوالفقاری (۱۳۸۶، ص. ۳۲) بر «لطف و شیرینی کلام» نویسنده نیز می‌افزایند و توانایی و مهارت زبانی و کلامی نویسندگان را نمایان می‌کنند. یکی از این آثار، *مرصادالعباد* نجم‌الدین رازی است. ساخت‌های مثلی در این کتاب کارکردها و وظایفی بر عهده دارند و مؤلف به فراخور حال و براساس موقعیت، هر کجا نیاز دیده، مثلی

عربی را به‌کار گرفته است. در این قسمت به کارکرد ساخت‌های قالبی مثلی عربی در *مرصادالعباد* پرداخته می‌شود. در این اثر، کارکرد ساخت‌های مذکور در هفت دسته بررسی می‌شود.

۱-۶. اقناع مخاطب^۳

اقناع تلاشی است برای وادار کردن مخاطب به پذیرش موضوع و مجاب‌سازی او. برای رسیدن به این هدف، ناچار باید از عناصر بلاغی استفاده کرد تا به‌شیوه‌ای مؤثر بتوان مخاطب را تحت‌تأثیر قرار داد (مؤذنی و احمدی، ۱۳۹۳، ص. ۹۵). رازی در برخی موقعیت‌های کلامی از ساختار قالبی مثلی به‌منزلهٔ ابزاری کارآمد به‌منظور اقناع مخاطب استفاده کرده است. برای نمونه، او در صفحات نخست کتاب خود هنگام توضیح حالت انسان و پرورش و تربیت روح او، آدمی را به معدن طلا و نقره تشبیه کرده که براساس نوع تربیت وی، از او طلا یا نقره استخراج می‌شود، سپس برای تبیین معنای موردنظرش و اقناع مخاطب و مجاب کردن وی، یک ساختار قالبی مثلی عربی را آورده است: «الناسُ معادنُ كمعادنِ الذهبِ و الفضة» و در ادامهٔ همین مبحث به اعتقاد خود، مبنی بر ضروری بودن همراهی مرید با شیخ نیز تأکید می‌کند که روح آدمی با همراهی و کمک یک شیخ، تبدیل به آینه می‌شود (رازی، ۱۳۱۲، ص. ۳). ساختار قالبی مذکور در اینجا ضمن تصویرسازی به‌کمک تشبیه، سعی در اقناع مخاطب و تبیین مطلب دارد. همچنین رازی در بخشی از کتابش که دربارهٔ فجایع حملهٔ مغولان و قتل و غارت‌های آن‌ها صحبت و تلاش می‌کند تا حاکمان و سلاطین را به‌منظور مبارزه با مغولان و ایستادگی در برابر آن‌ها قانع کند یک مثل عربی را به‌کار می‌گیرد که «الأمیرُ راعٍ علی رعیتِهِ وَهُوَ مسؤلٌ عنهم»، سپس مجدداً کلامش را در تحریض حاکمان برای مقابله با لشکر مغول

ادامه می‌دهد (همان، ص. ۹). نویسنده به‌طور کلی برای اقناع مخاطب از دو مثل استفاده کرده است.

۶-۲. استدلال^۴

استدلال از باب استفعال و از ریشه «د.ل.ل» است. دهخدا (۱۳۴۵) ذیل واژه استدلال، آن را «دلیل‌آوری»، «دلیل‌جستن» و «دلیل‌خواستن» معنا کرده است. استدلال با اقناع تفاوت دارد؛ چه در اقناع هدف مجاب کردن مخاطب است، اما در استدلال هدف مجاب کردن مخاطب نیست، بلکه هدف اثبات کلام با دلیل‌آوری است. رازی در بخشی از کلامش در بیان چرایی تألیف این کتاب به زبان فارسی می‌گوید که بیشتر کتاب‌هایی که به معانی و حقایق پرداخته‌اند، به زبان عربی هستند و چون باید «تکلموا الناس علی قدر عقولهم» (با مردم به اندازه عقلشان صحبت کنید) را در نظر گرفت، او نیز این کتاب را برای استفاده فارسی‌زبانان به زبان فارسی نوشته است (۱۳۱۲، ص. ۷). کارکرد ساخت قالبی مذکور در اینجا، دلیل‌آوری یا همان استدلال است. همچنین باید گفت که این گفتار قالبی عربی اگرچه حدیثی نبوی^(ص) است، اما به قول غلامرضایی (۱۳۸۷، ص. ۲۶۰) به دلیل کثرت رواج و شهرت در میان توده مردم به مثل مانده است.

همچنین رازی در بخشی از کتابش پس از ذکر کرامت الهی به روح انسان‌ها، درباره معنای ظاهری و باطنی آیات به این قول مشهور که «إن للقرآن ظهراً و بطناً» (قرآن ظاهر و باطنی دارد) استدلال کرده است و می‌گوید که هنگام تدبر در قرآن، باید معنی ظاهری و باطنی آن، هر دو را در نظر گرفت (۱۳۱۲، ص. ۲۸). طباطبایی این جمله را حدیثی از پیامبر^(ص) دانسته و شکل کامل‌تر آن را ذکر کرده است: «إن للقرآن ظهراً و بطناً و لبطنه

کارکرد ساخت‌های قالبی مثلی عربی در *مرصادالعباد* حیب کشاورز و همکار

بطناً الی سبعة ابطن» (۱۳۷۹، ص. ۲۸). این حدیث در میان فارسی‌زبانان و عرب‌زبانان از حیث گستردگی رواج مانند مثل شده است.

نویسنده همچنین در بیان چرایی فرود آمدن انسان از مقام قرب الهی به زمین می‌گوید که ما (انسان‌ها) «به مقام خاکی راضی بودیم» و قناعت پیشه کردیم و از آنجایی که الحزم سوءالظن (دور اندیشی گمان بد بردن است) را در نظر داشتیم، توجه به مقام قرب الهی را از نظر دور کردیم. او سپس به این بیت عربی استشهد می‌کند: «وما السلطان إلا البحرُ عظما / و قربَ البحرِ محذور العواقب» (رازی، ۱۳۱۲، ص. ۲۹) (سلطان در بزرگی مانند دریاست؛ پس نزدیک دریا باید از عواقب آن برحذر بود). براساس گفته‌ی ثعالبی، این بیت از صاحب بن عباد است (۲۰۰۹، ج. ۲، ص. ۱۰۷) که در زبان عربی، خود به یک ساخت قالبی مثلی تبدیل شده است. در مجمع‌الأمثال ساخت قالبی نخست به این شکل آمده است: «الحزم سوء الظن بالناس» (بی‌تا، ج. ۱، ص. ۲۱۴). اما با توجه به اینکه رازی این قالب مثلی را برای حضرت حق به‌کار گرفته کلمه «الناس / مردم» را از انتهای این مثل حذف کرده است که این مسئله مؤید استفاده‌ی هوشیارانه‌ی مؤلف از این‌گونه ساخت‌هاست.

مؤلف در توصیف ناتوانی عقل در درک مراتب سلوک عارفان می‌گوید که عقل خود بیمار و معلول است. سپس این ساخت قالبی مثلی را ذکر می‌کند که «رأی العلیلُ علیلٌ» (رأی بیمار بیمار است) (حسین‌شاه، ۱۳۷۹، ص. ۹۱) به این معنا که چون خود عقل ناتوان و معلول است پس نمی‌توان به نظر و اندیشه‌ی آن هم اکتفا کرد و باز در ادامه، این مثل را می‌آورد «طیبٌ یدأوی وَ الطیبُ مریضٌ» (طیب معالجه می‌کند درحالی‌که خود بیمار است) (همان، ص. ۱۳). دو ساخت مثلی مذکور در این قسمت به‌منظور دلیل‌آوری ذکر شده است و در هردوی این موارد نیز، تشبیه دیده می‌شود (تشبیه عقل

به معلول و پزشک بیمار). نمونه دیگر از کاربرد قالب مثلی عربی به منظور دلیل آوری وقتی است که رازی حین سخن گفتن از روح انسان و اینکه انسان به بازگشت به موطن اصلی خود (مقام قرب الهی) متمایل است، برای توضیح بیشتر کلامش به این حدیث استدلال می‌کند که «حب الوطن من الإیمان» (دوست داشتن وطن از نشانه‌های ایمان است) (همان، ص. ۵۹). حدیث مذکور به دلیل کثرت استعمال و رواج در میان مردم به مثل مانند شده است (دهخدا، ۱۳۶۳، ج. ۲ / ص. ۶۸۹). براساس پژوهش انجام شده ۲۹ ضرب‌المثل عربی به منظور استشهاد در این کتاب به کار رفته است. از لحاظ زیبایی‌شناسی نیز استفاده از کلمه «وطن» برای جایگاه اصلی روح آدمی تشبیه است که به زیبا شدن هرچه بیشتر متن کمک کرده است.

۳-۶. توجیه و فرار از سرزنش و توبیخ

یکی از موارد استفاده ساخت‌های قالبی مثلی در *مرصادالعباد* توجیه و تلاش مؤلف برای رهایی از سرزنش و توبیخ دیگران یا فرار از ندهای درونی خویش است. برای نمونه، رازی در بخشی از این اثر هنگام توصیف اقامت یک‌ساله خود در بغداد و ترک خانواده‌اش و رها کردن آن‌ها در معرض هجوم و حمله مغولان از دو ساختار قالبی مثلی استفاده کرده تا بدین وسیله، یا نفس و وجدانش را توجیه کند یا اینکه کار خود را موجه جلوه دهد: «الضرورات تبيح المحظورات» (ضرورت‌ها ممنوعات را مجاز می‌کند) و «من نجا برأسه فقد ربح» (هر که خود را نجات داد، سود کرد) (رازی، ۱۳۱۲، ص. ۱۰). ساخت قالبی الضرورات تبيح المحظورات که به نام «قاعدۀ اضطرار» مشهور است به حالتی گفته می‌شود که فرد در اثر قرار گرفتن در تنگنا از دو ضرر، یکی را که خفیف‌تر است انتخاب می‌کند (میرالوندی، ۱۳۹۷، ص. ۱۶۰). همچنین بنابه گفته

ابوالفضل میدانی (درگذشته ۵۱۸ ق) این ساخت قالبی زمانی استفاده می‌شود که شخص در موقعیتی قرار می‌گیرد که انجام کار برایش غیرممکن می‌شود و ترجیح می‌دهد که آن کار را رها کند و خود را نجات دهد (بی‌تا، ج. ۲ / ص. ۲۹۹). با این توضیح، می‌توان گفت که این ساخت قالبی به‌خوبی توانسته شرایط سخت و تنگنایی را که رازی در آن قرار گرفته بوده است با کم‌ترین عبارات توصیف کند؛ بنابراین نویسنده از ساخت قالبی مذکور نه‌تنها برای توجیه انتخاب خود، بلکه برای ترسیم شرایط دشواری که در آن هنگام در آن قرار داشته همراه با ایجاز نیز استفاده کرده است. مسئله دیگری که در این بخش جلب توجه می‌کند این است که رازی هنگام تعریف این ماجرا غیر از دو ساختار قالبی مثلی مذکور، از آیات و ابیاتی هم استفاده کرده است. با توجه به این مسئله، چنین می‌نماید که گویا مطلب موردنظر او مسئله مهمی بوده چنانکه رازی با ابزارهای زبانی بسیاری، آن را مورد تأکید قرار داده است. در *مرصادالعباد* دو قالب مثلی عربی با هدف توجیه یا فرار از سرزنش و توبیخ ذکر شده است.

۴-۶. زیباسازی کلام

گاهی هدف از به‌کارگیری ساخت‌های قالبی زیباسازی کلام و هنری کردن هرچه بیشتر آن است. این کارکرد ممکن است در کنار دیگر کارکردهای این ساخت قالبی نیز به‌کار رود. مثلاً ممکن است کارکرد یک قالب مثلی استدلال باشد و در عین حال به زیبا شدن متن نیز کمک کرده باشد. در این قسمت فقط ساخت‌های قالبی مثلی بررسی می‌شود که صرفاً با هدف زیباسازی کلام به‌کار رفته‌اند یا این کارکرد در آن قوی‌تر است. نجم‌الدین رازی در معرفی باب پنجم کتاب خود که درباره «سلوک طوایف مختلف» است، در توضیح آنکه انسان (سالک) ابتدا از راه گوش (شنیدن مطالب) عاشق می‌شود از مصراع عربی «الاذن تعشق قبل العین احیانا» (۱۳۱۲، ص. ۵) (گاهی اوقات، گوش

قبل از چشم عاشق می شود) بدون ذکر نام شاعر آن، استفاده کرده و سپس به آیه‌ای از قرآن استناد کرده است. مصراع مذکور از اشعار معروف بشار بن برد، شاعر ایرانی‌الاصل دوره عباسی، (۹۶-۱۸۶ق) است و در زبان عربی به یک عبارت قالبی مثلی تبدیل شده است (ضیف، ۲۰۰۶، ص. ۱۵۴). ساخت قالبی مذکور کارکرد زیباسازی کلام را برعهده دارد و به نوعی استدلال همراه با تصویرسازی نیز دارد، اما کارکرد زیباسازی آن، قوی‌تر است. همچنین بیت «وما السلطان إلا البحرُ عظمًا / و قرب البحرِ محذور العواقب» (رازی، ۱۳۱۲، ص. ۲۹) که توضیح آن پیش‌تر ذکر شد نیز غیر از استدلال، کارکرد زیبایی‌شناسانه هم دارد، زیرا نویسنده در این بیت حالت انسان که از مقام قرب الهی به سمت زمین فرود آمده را به حالت شخصی تشبیه کرده که درکنار دریایی عظیم ایستاده و از عواقب آن در حذر است. این مثل عربی زیبایی جملات رازی را دوچندان کرده است. به‌طور کلی در *مرصادالعباد* دو قالب مثلی عربی یافت شد که یا صرفاً به‌منظور زیباسازی کلام به‌کار رفته‌اند یا این کارکرد در آن‌ها قوی‌تر است.

۵-۶. ایجاز

ایجاز از فنون بلاغی و به‌معنای آوردن معنایی بسیار با الفاظی کم است (سکاک، ۱۹۹۰، ص. ۱۳۳). یکی از ویژگی‌های ساخت‌های قالبی مثلی ایجاز است و درعین حال، ایجاز از کارکردهای مثل نیز محسوب می‌شود. رازی در پاره‌ای موارد برای بیان مفهومی عمیق، ناچار از مثلی عربی استفاده کرده است. برای نمونه، او تعریف می‌کند که وقتی به دیدار شیخ عمر سهروردی رفته بود، ایشان به وی پیشنهاد اقامت در همان دیار را داد که «در این دیار مبارک بر آی و در حریم این ممالک ثبات نمای و إذا عشیت فانزل را کار فرمای» (۱۳۱۲، ص. ۱۲). در اینجا مثل «إذا عشیت فانزل» (اگر جایی جایی برای زندگی یافتی، اقامت کن) به‌منظور ایجاز و اختصار آمده است؛ به این معنا که رازی با

این قالب مثلی، مفهوم طولانی را بیان کرده است. وی در ادامه همین ماجرا با خود می‌گوید که باید در این دیار رخت اقامت افکند و از محضر این شیخ ارجمند، بهره‌ها ببرد که «وَإِذَا اصْبَتْ فَالْزِمِ» (اگر بهره‌مند شدی پای‌بند باش) (همان، ص. ۱۳). ساخت مثلی مذکور در این موقعیت گفتاری، کارکرد ایجاز داشته و مؤلف را از بیان جملات و کلمات بسیار، برای ادای منظورش بازداشته است. مثل «الضرورات تبیح المحظورات» نیز در *مرصادالعباد* همین کارکرد را دارد (همان، ص. ۱۰) که پیش‌تر به آن اشاره شد. رازی سه بار از قالب مثلی عربی به‌منظور ایجاز استفاده کرده است. یادآور می‌شود که ایجاز یکی از اهداف مثل است، اما گاهی این کارکرد در مثل غالب می‌شود؛ به این معنا که نویسنده از مثل بیشتر با هدف مختصر کردن کلامش استفاده می‌کند.

۶-۶. تأکید مفهوم و تقویت معنا

یکی از کارکردهای ساخت قالبی مثلی تأکید گفتار و تقویت سخن است. رازی در توصیف پیامبر^(ص) آن حضرت را پادشاهی معرفی کرده است که سایه ندارد، زیرا خود، سایه حق تعالی است. سپس برای تأکید مفهومش، این ساخت مثلی را بیان کرده است که «السُّلْطَانُ ظِلُّ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ» (سلطان سایه خدا روی زمین است) (همان، ص. ۷۷). کارکرد این قالب مثلی در عبارت مذکور، تأیید و تأکید معناست. دهخدا این مثل را به‌صورت «السُّلْطَانُ الْعَادِلُ ظِلُّ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ» آورده است (۱۳۶۳، ص. ۹۸۹)، اما از آنجایی که رازی ساخت قالبی مذکور را برای حضرت پیامبر^(ص) استفاده کرده، کلمه «العدل» را حذف کرده است. این ساخت قالبی دارای مفهومی مشترک در زبان فارسی و عربی است، زیرا در زبان فارسی نیز مثلهایی با این مضمون داریم. مانند: «حاکم خدای روی زمین است» و «دولت خدادای را زوال نباشد» که این مسئله نشان‌دهنده

همراهی دین و دولت در اندیشه سیاسی ایرانیان و عرب‌ها از زمان گذشته بوده است (باقری و امیری، ۱۳۹۴، ص. ۳۳).

مؤلف *مرصادالعباد* همچنین در بخشی از کتاب خود جهان را به خانقاهی تشبیه کرده و خداوند تعالی را همچون شیخ آن خانقاه معرفی کرده و پیامبر (ص) را نیز چونان خادم آن خانقاه دانسته است. سپس برای تثبیت این گفته خود، مثلی آورده است: «سیدُ القومِ خادمُهُم» (۱۳۱۲، ص. ۳۰۵). عین همین ساخت مثلی را دهخدا نیز در *امثال و حکم* خود به‌منزله مثل ذکر کرده است (۱۳۶۳، ج. ۲/ ص. ۱۰۰۰).

نجم‌الدین در باب کامل شدن دین در عهد پیامبر اسلام (ص) می‌گوید که در روزگار نبوت آن حضرت، دین کامل شد و پیش از ایشان در دوره هیچ پیامبر دیگری، دین به کمال نرسیده بود و «هر زیادتی که بر کمال افزایی نقصان بود»، سپس برای تأیید گفتار و تقویت معنای مفاهیم خود این ساخت قالبی را به‌کار می‌برد که «الزيادة على الكمال نقصان» (همان، ص. ۸۷) که درواقع، ترجمه عربی و تکرار همان مفهومی است که بیان کرده است.

رازی همچنین درباره پادشاهان و توصیه‌هایی که به آن‌ها شده است، به لزوم عادل بودن آن‌ها اشاره می‌کند و حدیثی از پیامبر اسلام (ص) در همین مضمون برای تقویت مفهوم خود می‌گوید که «المَلِكُ يَبْقَى مَعَ الْكُفْرِ وَ لَا يَبْقَى مَعَ الظُّلْمِ» (۱۳۱۲، ص. ۲۴۸) (پادشاهی با کفر باقی می‌ماند ولی با ستم پایدار نمی‌ماند). این حدیث از حیث رواج و شهرت آن در کتاب‌های امثال، به‌منزله یک ساختار قالبی مثلی ذکر شده است. دهخدا مشابه همین مضمون را در *امثال و حکم* خود به‌منزله مثل آورده است: «ملک را عدل پاسبان باشد» (۱۳۶۳، ج. ۴/ ص. ۱۷۳۴). رازی در جایی دیگر باز در توصیه به پادشاهان، آن‌ها را از خساست برحذر می‌دارد و تأکید می‌کند که شاهان نباید زر و مال

کارکرد ساخت‌های قالبی مثلی عربی در *مرصادالعباد* حیب کشاورز و همکار

جمع کنند که «به حادثه و مرگی آن جمله تلف گردد». او سپس همین مضمون را به صورت یک ساختار قالبی مثلی عربی می‌گوید: «بشروا مالَ البخیلِ بحادثٍ او بوارثٍ» (۱۳۱۲، ص. ۲۵۱) (مال بخیل را به حادثه یا وارث بشارت دهید). میدانی در کتاب خود این مثل را بدین شکل ذکر کرده است: «بشروا مالَ الشحیح بحادثٍ او بوارثٍ» (بی‌تا، ج. ۱ / ص. ۱۲۰). کلمه الشحیح مترادف البخیل است.

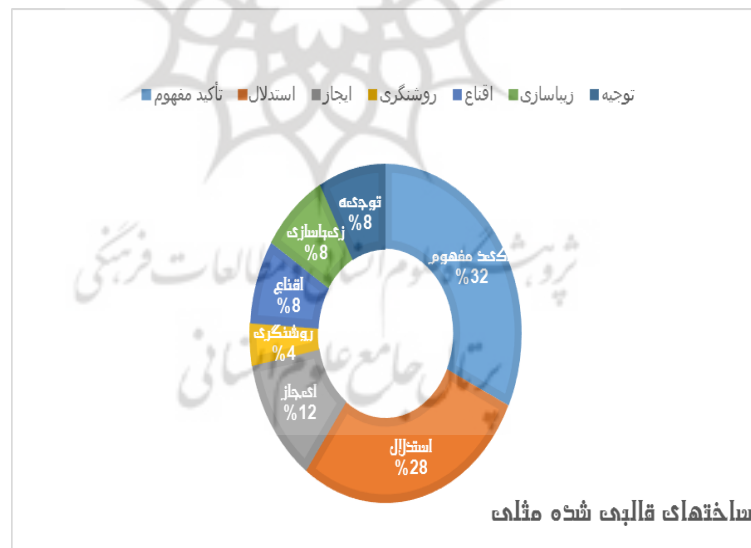
نجم‌الدین درباب توصیه به شاهان تأکید می‌کند که سزاوار است تا شاه برخی از امور را برعهده وزیر خود بگذارد و می‌گوید اگر پادشاه، امور وزارت را خود انجام دهد از امور سلطنت و مردم باز می‌ماند، سپس این ساختار قالبی مثلی را به منزله تأیید گفته خود می‌آورد: «لِکُلِّ عَمَلٍ رِجَالٌ» (بی‌تا، ص. ۲۵۶). دهخدا این مثل را معادل «هر کسی را بهر کاری ساختند» دانسته است (۱۳۶۳، ج. ۳ / ص. ۱۳۶۸).

مؤلف *مرصادالعباد* در باب شرایط تجارت، تاجران را به قناعت دعوت می‌کند و گفته خود را با این قالب مثلی، تقویت می‌کند: «الحریصُ محرومٌ» (حریص محروم است) (۱۳۱۲، ص. ۳۰۰). میدانی نیز در *مجمع‌الأمثال* عین همین عبارت را آورده است (ج. ۱، ص. ۲۱۴).

نجم‌الدین در تشویق مؤمنان به قرائت قرآن، پس از استناد به قول شیخ ابوسعید ابوالخیر (۳۵۷-۴۴۰ق) در این باره می‌گوید: «مَنْ أَحَبَّ الشَّيْءَ أَكْثَرَ ذِكْرَهُ» (هرکه چیزی را دوست دارد، زیاد از آن یاد می‌کند) (همان، ص. ۷). وی این ساختار قالبی مثلی را به منظور تأکید هرچه بیشتر کلام و تقویت معنای موردنظرش آورده است. به طور کلی هشت قالب مثلی عربی برای این منظور در *مرصادالعباد* ذکر شده است.

۷-۶. تبیین و روشنگری

تبیین و روشنگری به معنای توضیح بیشتر مطلب به منظور جاافتادن آن مطلب است. نجم‌الدین در انتقاد از بعضی عارفان که مدعی کرامات بودند و به این واسطه مغرور شدند و از حق روی برتافتند، با ذکر حدیثی از پیامبر (ص) «نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْحَوْرِ بَعْدَ الْكُورِ» (همان، ص. ۱۲۳) که شکل مثل به خود گرفته و در کتب امثال عربی یافت می‌شود (میدانی، بی‌تا، ج. ۱/ ص. ۱۹۵) کنایه‌وار منظور خود را می‌رساند که فقر (دوری از حق) پس از ثروت (مقام قرب الهی) چقدر بد است و به خدا از شر این مسئله پناه برده است. در اینجا نیز حالت این دسته از عارفان به مثل مذکور تشبیه شده است. کارکرد این ساخت قالبی تبیین مطلب و روشنگری است. کنایه موجود در مفهوم این مثل نیز بر جنبه زیبایی‌شناسانه آن افزوده است و باتوجه به مفهومی که موردنظر رازی بوده، این کنایه نیز به عمد به کار رفته است. رازی یک مثل عربی را صرفاً با هدف تبیین و روشنگری در کتابش آورده است.



نمودار ۱: ساخت‌های قالبی شده مثالی^۵

chart 1: Proverbic formulaic structures

۷. نتیجه

پس از بررسی کارکرد ساخت‌های قالبی مثلی عربی در کتاب *مرصادالعباد* نجم‌الدین رازی، نتایج ذیل حاصل شد: ساخت مثلی عربی در این کتاب کارکردهای متنوعی دارد و به‌طور کلی هفت کارکرد دارند. اقناع مخاطب، استدلال و بیان حجت و ارائه برهان، توجیه عمل خود و فرار از سرزنش و توبیخ، زیباسازی کلام و ابراز مهارت کلامی خود، ایجاز، تأکید مفهوم و تقویت معنا، تبیین و روشننگری مطلب از کارکردهای ساخت‌های مثلی عربی در اثر موردبررسی هستند. در این میان، رازی از مثل به‌منظور تأکید مفاهیم و مطالب خود (هشت مورد) و دلیل‌آوری و استدلال (هفت مورد) بیشترین استفاده را کرده است. همچنین وی از ساخت‌های مثلی عربی، کم‌ترین استفاده را برای اقناع مخاطب و زیباسازی کلام (هر کدام دو مورد) و روشننگری کلامش (یک مورد) داشته است. قالب مثلی عربی با هدف ایجاز نیز سه بار در کتاب مذکور استفاده شده است. زیباسازی کلام و ابراز مهارت کلامی و ادبی نویسنده در تمام این موارد دیده می‌شود، اما تنها در یک مورد مشخصاً از مثل عربی برای زیباسازی سخن خود استفاده کرده است. در پاره‌ای موارد نیز با کمک ساخت‌های مثلی عربی، تصویرسازی کرده و در پنج مورد نیز در ساخت‌های مثلی مورد استفاده او و کلامی که بیان کرده، تشبیه دیده می‌شود. همچنین کارکرد ساخت‌های مثلی در *مرصادالعباد* گاهی با هم هم پوشانی دارد.

استفاده از قالب‌های مثلی عربی در *مرصادالعباد* را می‌توان یکی از ویژگی‌های سبکی رازی دانست که به‌واسطه آن، مفاهیم عرفانی موردنظر خود و اهدافش را به مخاطب منتقل می‌کند. استفاده از قالب‌های مثلی برای اهداف مختلف را در آثار عرفانی فارسی دیگر از جمله *لمعات* فخرالدین عراقی نیز مشاهده می‌کنیم.

پی‌نوشت‌ها

1. formulaic structures
2. proverb

3. to convince the audience
4. argument
5. formulaic structures

منابع

- ابن منظور، م. (بی تا). *لسان العرب*. بیروت: دارصادر.
- آفاگل زاده، ف.، کرد زعفرانلو کامبوزیا، ع.، و هاشمی، ا.س. (۱۳۸۹). شناسایی و توصیف گفتارهای قالبی شده در زبان فارسی برپایه نقش عوامل جامعه‌شناختی زبان. *زبان‌شناسی و گویش‌ها*، ۳، ۱۱۹-۱۳۳.
- باقری، ب.، و امینی، س. (۱۳۹۴). حکومت و سیاست در آیین ضرب‌المثل‌های فارسی. *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، ۱، ۲۵-۴۳.
- بلاوی، ر. (۱۳۹۶). توصیف ساختاری و دگرگونی‌های زبانی در گویش عربی مهاجران جنگ‌زده شهرستان کنگان. *فرهنگ و ادبیات عامه*، ۱۵، ۷۱-۸۸.
- ثعالبی، ع. (۲۰۰۹). *یتیمه الدهر فی محاسن اهل العصر*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- الجوزی، ا. (۱۹۸۱). *الامثال فی القرآن*. بیروت: دارالمعرفه.
- حسین، ط. (۱۹۲۷). *فی الادب الجاهلی*. القاهرة: دارالمعارف.
- حسین‌شاه (۱۳۷۹). *خزینة الامثال*. به اهتمام ا. مجاهد. تهران: دانشگاه تهران.
- دهخدا، ع. (۱۳۴۵). *لغت‌نامه*. تهران: دانشگاه تهران.
- دهخدا، ع. (۱۳۶۳). *امثال و حکم*. تهران: امیرکبیر.
- ذوالفقاری، ح. (۱۳۸۶). بررسی ساختار ارسال مثل. *پژوهش‌های ادبی*، ۱۵، ۳۱-۶۲.
- ذوالفقاری، ح. (۱۳۸۷). تفاوت کنایه با ضرب‌المثل. *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، ۱۰، ۱۰۹-۱۳۳.
- ذوالفقاری، ح. (۱۳۹۴). گونه‌شناسی ساخت‌های قالبی در زبان عامه. *جستارهای ادبی*، ۴، ۶۹-۹۸.

- رازی، ن. (۱۳۱۲). *مرصادالعباد*. به اهتمام ح. الحسینی. تهران: مطبعه مجلس.
- سکاکي، ا. (۱۹۹۰). *مفتاح العلوم*. بیروت: مکتبه الحلبي.
- شیری، ق. (۱۳۸۹). تمثيل و تصویري نو از کارکردها و انواع آن، *کاوشنامه*، ۲۰، ۳۱-۶۲.
- ضیف، ش. (۲۰۰۶). *الفن و مذاهبه*. القاهرة: دارالمعارف.
- طباطبایی، م. (۱۳۷۹). *قرآن در اسلام*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عراقی، ف. (۱۳۶۳). *لمعات*. تصحیح خواجوی. بی‌جا.
- غلامرضایی، م. (۱۳۸۷). مجلس‌گویی و شیوه‌های آن براساس مجالس سبعة مولوی. شناخت، ۵۷، ۲۷۸-۲۵۷.
- فخر رازی، م. (بی‌تا). *التفسیر الکبیر*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- قطامش، ع. (۱۴۰۸). *الامثال العربیه*. دمشق: دارالفکر.
- معین، م. (۱۳۶۰). *فرهنگ فارسی*. تهران: امیرکبیر.
- مؤذنی، ع. و احمدی، م. (۱۳۹۳). درآمدی بر جایگاه فرایند اقتناع در فن خطابه و مطالعات ادبی، *پژوهش‌های ادبی و بلاغی*، ۹، ۹۳-۱۱۲.
- المیدانی، ا. (بی‌تا). *مجمع الامثال*. محقق: م. م. عبدالحمید. بیروت: دارالمعرفه.
- میرالوندی، ش. (۱۳۹۷). *پژوهشی در قاعده‌الضرورات تبیح المحظورات*. *مطالعات راهبردی فقه و حقوق*، ۱، ۱۶۰-۱۷۰.
- ناصری، م. (۱۳۹۰). *فرهنگ ضرب‌المثل‌های فارسی - عربی*. قم: بوستان کتاب.
- نگهداری، ح. (۱۳۹۲). تحلیل و بررسی آرایه‌های ادبی امثال و حکم دهخدا. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه کاشان.
- همایی، ج. (۱۳۳۹). *فنون بلاغت و صناعات ادبی*. تهران: علمی.

References

- Aghagolzadeh, F., Kurd Zafranloo Kambuzia, A., & Hashemi, A. S. (1389). Identification and description of formatted expressions in Persian based on the role of sociological factors of language. *Linguistics and Dialects*, 3, 119-133.

- Al-Jawzi, A. (1981). *Proverbs in the Qur'an*. Dar al-Ma'rifah.
- Al-Maidani, A. (n.d.). *Assembly of proverbs* (researched by Mohammad Mohiyat al-Din Abdul Hamid). Dar al-Ma'rifah.
- Bagheri, B, & Amini, S, (1394). Government and politics in the mirror of Persian proverbs. *Cultural Research Society, Institute of Humanities, 1*, 25-43.
- Balavi, R. (2017) Structural description and linguistic changes in the Arabic dialect of war-torn immigrants in Kangan city. *Bimonthly of Popular Culture and Literature, 15*, 71-88
- Bannard, C. & Liven, E. (2009). Repetition and reuse in child language learning. In R. Corrigan, E. Moravcisk, H. Ouali & K Wheatley (Eds), *Formulaic language: acquisition, loss, psychological reality, and functional explanations*, vol. 2. 299-321.
- Dehkhoda, A. (1966). *Dictionary*. University of Tehran.
- Dehkhoda, A. (1985). *Proverbs and judgment* (in Farsi). Amirkabir.
- Fakhr Razi, M. (n.d.). *Al-Tafsir Al-Kabir*. Darahiyah Al-Tarath Al-Arabi.
- Ghulam Rezaei, M. (2008). Parliamentary speech and its methods based on the assemblies of Saba Rumi. *Shenakht, 57*, 257-278.
- Homayi, J. (1960). *Rhetoric techniques and literary crafts* (in Farsi). Scientific.
- Hussein Shah. (2000). *Treasury of proverbs* (edited by Ahmad Mojahed). University of Tehran.
- Hussein, I. (1927). *In the ignorant literature* (in Farsi). Dar al-Ma'arif.
- Ibn Manzoor, M. (n.d.). *Arabic language*. Dar Sadr.
- Iraqi, F, (1985). *Lamat* (edited by Khajavi Bija). Unknown.
- Negahdari, H. (2013). *Analysis and review of literary arrays of proverbs and rulings of Dehkhoda*. MA thesis in Persian Language and Literature. Kashan University, Iran.
- Miralundi, Sh. (2018). Research in the rule of necessities explaining the requirements. *Journal of Strategic Studies in Jurisprudence and Law, 1*, 160-170.
- Moin, M. (1981). *Dictionary*. Amirkabir.

- Muezzin, A. S., & Ahmadi, M. (2014). An introduction to the position of the persuasion process in rhetoric and literary studies. *Literary and Rhetorical Research*, 9, 93-112.
- Naseri, M. (2011). *Dictionary of Persian-Arabic proverbs* (in Farsi). Book Garden.
- Qattamesh, A. (1408). *Proverbs of Arabia*. Dar al-Fikr.
- Razi, N. (1933). *Mersad al-Ebad* (edited by Hossein Al-Husseini). Majles Press.
- Saalebi, A. (2009). *Orphaned in the benefits of the people of the age*. Dar al-Kitab al-Alamiya.
- Sakaki, A. (1990). *Muftah al-Uloom*. Al-Halabi Library.
- Shiri, A. H. (2010). A new allegory and image of its functions and types. *Kavoshnameh*, 20, 31- 62.
- Tabatabai, M. (2000). *Quran in Islam* (in Farsi). Islamic Publications Office.
- Zeif, Sh. (2006). *Art and religion*. Dar al-Ma'arif.
- Zolfaghari, H. (2007). A study of the structure of reproduction. *Literary Research*, 15, 31-62.
- Zolfaghari, H. (2008). The difference between irony and proverb. *Persian Language and Literature Research*, 10, 109-133.
- Zolfaghari, H. (2015). Typology of mold constructions in popular language. *Literary Essays*, 6(4), 69-98.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی